فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره چهارم، شماره ۳۱، زمستان ۱۳۹۹، صص ۳۰۲-۲۸۱
New Period 4, No 31, 2021, P 281-302
شماره شاپا (۲٤۷٦-۷۰۱۸) ISSN (2476-7018)

تدوین سیاست‌ها و راهبردهای بومی توسعه ایران (آینده پژوهشی راهبرد توسعه ایران)

رضا پریزاد طاسرائی[۱]. الهام حسین زاده[۲]
۱. استادیار و هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران (نویسنده مسئول)
۲. دانشجوی جامعه شناسی سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی قم، ایران

چکیده

توسعه مسئله‌ای است که زایش آن بطن جامعه است، جوشش درونی یک اجتماع، حاصل تمرین و ممارست، پیدرپی نسلهایی است که تمدن را ایجاد کردند. الگوی توسعه از تمدن یک ملت گرفته می‌شود با بحران در تمدن، الگوی توسعه نیز دچار آشفتگی و بیسازمانی میگردد. بر این اساس، در تدوین راهبرد توسعه می‌توان از مدلهای ملل دیگر به عنوان یک الهام‌بخش استفاده نمود، اما به دلیل تفاوت هنجاری، اخلاقی و سبک زندگی متمایز امکان پیاده‌سازی یک الگوی ملل دیگر در داخل جامعه امکانپذیر نیست، این به علت تفاوتهای جغرافیایی، فرهنگهای موجود، باورهای اخلاقی و ژنوم فرهنگی برمی‌گردد. بر این اساس، هدف اصلی این پژوهش این است که جامعه ایرانی در عصر مواجهه با مسائل جهانی و نظام سرمایهداری غرب، چه راهبرد و سیاست‌هایی برای آینده توسعه خود دارد و باید از چه الگو و معیارهایی برای عبور از بحرانهای پیش رو باید استفاده کند؟ روش از روش الگوی تاریخی-تحلیلی برای پاسخ به این پرسش استفاده کرده است. واکاوی تاریخی قبل از انقلاب حاکی از این است که از دوره پهلوی اول، الگوی توسعه آمریکایی، پهلوی دوم، مدل توسعه آلمانی حاکم بوده و در جریان بعد از انقلاب باوجود تلاشهای انقلابی و روحیه جهادی در جهت استقرار و نهادینه سازی یک الگوی توسعه متناسب با بافت فرهنگی ایران، همچنان الگوی چینی و بعد الگوی ژاپنی در جریان توسعه بیشتر نمود پیداکرده است، این مسیر از توسعه تا زمان طرح تدوین الگوی توسعه درونی (اقتصاد مقاومتی) از سوی رهبر انقلاب، بر جریان توسعه حاکم بوده است. طرح تدوین این الگوی توسعه (اقتصاد مقاومتی مقام معظم رهبری)، به نوعی هشداری بود که اندیشمندان پسا توسعه نیز مدعی آن بودند، رهایی از الگوی توسعه وابسته، بیداری یک تمدن در برابر الگوی اقتصادی وابسته و شرطی شده که عواقب آن در زمان تحریمهای ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ بیشتر نمایان شد.

واژه‌های کلیدی: راهبرد توسعه، الگوی وابستگی، اقتصاد مقاومتی، سبک زندگی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

مقدمه و بیان مسئله

توسعه، یک جامعه منظور به مدیریت داخلی آن جامعه است (امین زاده، ۱۳۷۶: ۴۵). یکی از راه‌های اصلی کاهش فشار جوامع، استقلال است (حسنزاده، ۱۳۸۳). وابسته بودن در نظام توسعه، روند توسعه جامعه را در شرایط حساس جهانی و دیپلماسی دچار آسیب میکند. شرط اصلی، استقلال در معادلات جهانی در کنار تعامل، داشتن یک استراتژی اقتصادی و توسعهای است که ضمن پاسخ به نیاز اجتماعی آن جامعه، توان رقابتپذیری در عرصه جهانی در دنیای امروزی نیز داشته باشد. شرایط و دلایل توفیق و عدم توفیق استراتژی‌ها و برنامه‌های توسعه، از دغدغه و موضوع‌های مهم در قلمرو مطالعات توسعه بوده است (مظفری نیا و همکاران، ۱۳۹۵). نگاه به بر برخی کشورها قبل و بعد از جنگ جهانی نشان از این واقعیت دارد که تئوری توسعه، بیشتر بوم محور بوده و رهایی از توسعه به سبک نوسازی، گام اول ارتقای جایگاه آن در نظام جهانی است. تجربه ژاپن، کشورهای شرق آسیا بعد از جنگ جهانی دوم باعث شد که دولتها و نخبگان به فکر استراتژی مناسب برای خروج از وضع نامساعد اقتصادی باشند. سیاستگذاران توسعه با الهام از نظریه‌های مختلفی ازجمله نظریه جهش، رشد نامتوازن، توسعه نیافتگی، توسعه درون‌زا، رشد با توزیع دوباره، نظریه نظام جهانی، سرمایه‌داری امپریالیسم نوین، وابستگی به تشریح مسئله توسعه جوامع پرداخته‌اند (زاهدی مازندرانی، ۱۳۹۰).

راهبرد توسعه جامعه ایرانی، فراز نشیب فراوانی در تاریخ دارد. از استقلال توسعه تا وابستگی در آن، مشهود است. ضرورت‌های تاریخی توسعه در ایران الزام می‌نمود که در یک مقطعی به جای تداوم روند توسعه وابسته، اندکی توسعه درون زا را در پیش می‌گرفتند. توسعه کشور ایران در قرن ۱۵ بهعنوان توسعه مستقل محسوب میشود. عصر صفوی سرآغاز و پایان آن، پایان عصر طلایی نظام توسعه و اقتصادی ایران محسوب میشود. وجود تساهل مذهبی و همگرایی سه ضلع دین اسلام، مذهب تشیع، حکومت ملی و اندیشه ایران گرایی، از کشور، هویت مستقل ساخت. نخستین بار تجارت تراز مثبت داشت و میزان صادرات داخلی بیش از واردات برونمرزی بود (حیدری، ۱۳۹۱).

آندره گوندر فرانک یکی از برجستهترین نظریه پردازان وابستگی، علت توسعه نیافتگی کشورهای جهان سوم را در رابطه زنجیروار متروپل- اقمار (مرکز – پیرامون) پیجویی می‌کند. او معتقد است علت توسعه یافتگی را باید در روابط ساختاری که در طول تحولات اقتصادی – اجتماعی بین کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته کنونی موجود است، دنبال کرد. کشورهای ثروتمند یک مرکز (متروپل) را تشکیل داده‌اند که کشورهای اقماری (جهان سوم) پیرامون آنها گرد آمده‌اند و درحالیکه اقتصادشان به اقتصاد کشورهای پیشرفته وابسته است، خودشان عمدتاً دچار فقرند.

نظریه نوسازی علت عقب ماندگی کشورهای جهان سوم ازجمله ایران را در مسائل اخلاقی، هنجاری، سنتها و اختلال در جامعه پذیری، عدم اعتمادبه نفس، فرهنگ سنتی و عقب مانده (فرهنگی که انسان‌هایی حسود، خودشیفته، احساساتی، هیجانی و غیرعقلانی و بی منطق بار میآورد که این انسانها توان قدم نهادن

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

در مسیر توسعه را که جریانی عقلانی و منطقی است ندارند) می‌داند. به طوریکه نوشتههای سیاحان و مردم شناسان غربی درباره جوامع شرقی ازجمله ایران، حاوی نکات متناقضی است که در آن، با استنادهای تاریخی، روند توسعه ایران را به دلیل توصیف سطحی از ساختار شخصیتی ایرانیان، عقیم و ناکام میدانند. شرق شناسان، با علم برسازه‌های روانشناسی اجتماعی، ملل ایران، به نسخه بیرونی توسعه، برای ایجاد تحرک و نوسازی، پناه بردند. گذشته تاریخی ایران، دورانی از تحولات مثبت در زمینه کاریز، قنات، مدیریت‌های سنتی نظیر بنه، مشاع و واره، حاکی از نوزایش درونی ملت برای توسعه و قدم در نوسازی است. از طرفی، وقوع جنبش‌های اجتماعی مختلف، علیه حضور بیگانگان، حکایت از بیداری و استقلال فرهنگی و فکری این مناطق داشت که توان ایجاد توسعه به سبک سیاق بومی در خود داشتند. تاریخ ایران، به دلایل برداشتهای نسبتاً متناقض مورخان و محققان از بیرون و دلدادگی نخبگان و مدیران در دوران قبل از انقلاب، زمینه آزمایش مدلهای توسعه مختلف اروپایی شد که یکی پس از دیگری، نه تنها تحولی مثبت ایجاد نکرد، بلکه ضمن هدر دادن منابع اجتماعی، به تضعیف پایه‌های توسعه ساختاری جامعه گردید. در این راستا، داستان توسعه ایران، حکایتی عبور از مدلهای گوناگون توسعه وابسته به سمت توسعه تقریباً نیمه مستقل است (نیازی و همکاران، ۱۳۹۶). با توجه به مباحث فوق، هدف اصلی پژوهش فعلی به شرح ذیل است:

- بررسی سیاست‌ها و راهبردهای توسعه ایران

پرسش اصلی:

ـ سیاستها و راهبردهای توسعه‌ای ایران با تأکید بر امر اقتصاد مقاومتی چه شاخص و مواردی هستند؟

ـ ایران چگونه می‌تواند یک راهبرد توسعه‌ای برای عبور از بحران توسعهای داشته باشد؟

دیدگاه‌های نظری

نظریه وابستگی: نظریهٔ وابستگی ازجمله نظریاتی است که طی دو دهه تأثیری شگرف بر اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی و نظریه‌های توسعه و نیز نگرش‌های جامعه‌شناختی در نیمهٔ دوم قرن بیستم گذارده. نهفقط صاحبنظران بلکه اهل سیاست و مدیران نیز در بسیاری از کشورهای درحال توسعه تحت تأثیر نظریهٔ وابستگی قرار گرفته بودند و ضمن آنکه علت اصلی توسعه نیافتگی را به خارج از مرزهای کشورهای عقب مانده نسبت می‌دادند، راه رشد و پیشرفت را قطع رابطه و گسستن از جهان سرمایه‌داری می‌دانستند (سلیمی، ۱۳۹۱: ۱۶۶). استدلال طرفداران این نظریه آن است که ساختار نظام بین‌المللی، به شدت فرصتهای توسعه را برای کشورهای توسعه نیافته زایل می‌کند. محور اصلی نظریه وابستگی عبارت از این است که: مطالعه توسعه جوامع جهان سوم بهصورت انتزاعی و جدا از توسعه کشورهای پیشرفته، واقعیت‌های روند توسعه را نمی‌تواند به‌دقت نشان دهد؛ بنابراین می‌بایست کشورهای جهان را بهمنزله یک نظام واحد در نظر گرفت.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

نظریات وابستگی بهصورت عمده از اندیشه‌های پل باران در واپسین سالهای دهه ۱۹۵۰ نشئتگرفته است. علاوه بر آن شکست برنامه اکلامو و نیز بحران مارکسیسم در امریکای لاتین در دهه ۱۹۶۰، در شکل‌گیری مکتب وابستگی مؤثر بودند. برخی معتقدند نظریه وابستگی، پاسخی انتقادی به نظریات آدام اسمیت (۱۷۷۶) بود. بر اساس مکتب اسمیت، بازرگانی بین‌المللی موجب تخصص منطقه‌ای و کاهش تعرفه‌های گمرکی گشته، حداکثر امکانات را برای رشد اقتصادی فراهم می‌کند (نراقی، ۱۳۷۰).

طبق این دیدگاه چون منابع طبیعی، اقلیم و عرضه نیروی انسانی در بین جوامع بهطور نابرابر توزیعشده‌اند، هر جامعه‌ای باید در حول استعدادهای طبیعی خودش تخصص تولیدی پیدا کند تا مبادلات بازرگانی بین‌المللی به صورتی درآید که حداکثر قابلیت تولید را در زمینه اقلام معین، مواد خام و کالاها و خدمات تأمین نماید؛ اما نظریه وابستگی مدعی است که اقتصاد جهانی را نمیتوان به شیوه اسمیتی به عنوان یک نظام متشکل از طرفهای برابر بازرگانی تصور نمود، به این دلیل که برتری قدرت نظامی، اقتصادی و سیاسی مرکز (یعنی جوامع صنعتی)، نابرابری شرایط مبادله را بر حاشیه (یعنی جوامع کمتر توسعه یافته‌ای که به صدور مواد خام و نیروی انسانی وابستگی دارند) بیش از پیش تحمیل می‌کند. به بیان تاریخی، طرز عمل استعمار چنان بود که با تضمین شرایط مساعد جهت صدور کالاهای ساخته شده از طرف جوامع پیشرفته و سرمایه‌داری، تولیدات صنعتی نوپای ممالک جهان سوم را با مانع روبرو کرد. جوامع صنعتی با تحمیل تولید اختصاصیمواد خام به جوامع وابسته، نظام نابرابری مبادلات را حفظ کرده و صادرکنندگان مواد خام را ناگزیر به وابستگی به بازارجهانی و تن دادن به بی‌ثباتی (که برای صادراتشان پیش می‌آمد)، می‌ساختند (نصیری، ۱۳۷۹). به‌طور عمده نظریه وابستگی بر چهار فرض مبتنی است:

ـ اقتصاد و جامعه در بخش عمدهای از دنیای درحالتوسعه، به شکل کامل تحت تأثیر این واقعیت قرار دارند که این کشورها در اصل به منزله تولیدکنندگان مواد خام و مصرف کنندگان محصولات صنعتی در اقتصاد جهانی ادغام شده‌اند؛ - این تقسیم کار به وسیله قدرت اقتصادی و سیاسی دنیای توسعه یافته دائمی گردیده است؛

ـ همین ادغام پابرجا در اقتصاد جهانی، موجب انحرافات جدی اقتصاد داخلی در جهان سوم می‌شود؛

ـ عوارض این معضل اقتصادی به قلمرو اجتماعی و سیاسی هم سرایت می‌کند.

روش‌شناسی: روش پژوهش فعلی از نوع تحلیلی تاریخی است که در آن اسناد تاریخی، نقش مهمی در شکل‌گیری یک پدیده و ترسیم الگو و آیدال تایپ ترسیم دارد. نویسنده سعی نموده است با مراجعه به اسناد تاریخی، آرشیوهای موجود در کتابخانه، منابع اینترنتی، به پرسشهای پژوهش مبنی بر اینکه چه راهبرد و استراتژی برای توسعه ایران به روش بومی وجود دارد، پرداخته است.

یافته‌های پژوهش

در این قسمت به مهمترین یافته‌های پژوهش اشاره شده است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

الف. اقتصادی

ـــ مردمی نمودن اقتصاد

مردمی اقتصاد به معنای تکیهبر مردم در فعالیتهای اقتصادی است یعنی مردم نقش اصلی را امور اقتصادی داشته باشند. این امر باعث میشود تا از تمامی استعدادها و ظرفیت‌های مردمی در جهت تولید ثروت و دستیابی به قدرت، استقلال و امینت اقتصادی استفاده شود. عمده دلیل مشکلات اقتصادی جامعه، عدم شناسایی ظرفیت اقتصادی مردم است (جمالی و جابری، ۱۳۹۴: ۹۷). اقتصاد مقاومتی یک اقتصاد مردمی است. مسئولین امر باید زمینه حضور فعال، مؤثر و کارای مردم در تمامی زمینه‌های اقتصادی را چه از حیث قوانین و مقررات و چه از حیث اجرایی فراهم سازند. اقتصاد مقاومتی اقتصادی متکی به مردم و بخش خصوصی است. رقابت‌پذیر نمودن اقتصاد برای ورود بخش خصوصی و کناره‌گیری دولت از تصدیگری، کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و سوق دهی اقتصاد ملی به کسب درآمد از مسیر مالیاتها از پایه‌ای ترین ارکان اقتصاد مقاومتی به شمار می‌آید. دولتی بودن و مشارکت اندک مردم در اقتصاد از موانع اساسی رشد اقتصاد وگسترش فساد در سیستم اقتصادی کشو راست که باید با رویکردی جدی شرایط تغییر یابد. مردمی‌کردن اقتصاد ازضروریات اقتصاد مقاومتی است و بدون مشارکت، حضور و مقاومت مردم در اقتصاد، گذر از تنگناهای تحریم‌ها و تهدیدها امکان ناپذیر است. بنیان فلسفی و فکری سیاستهای اقتصادی اجرایی در کشور و نیز مکتب فکری که سیاست‌های اقتصادی بر آن مبتنی است، نقش مهمی در شکل‌دهی روحیات مردم دارد. مردمی نمودن اقتصاد به معنای مشارکت آگاهانه و خودانگیخته افراد در توسعه جامعه است (رضوانی، ۱۳۸۳: ۱۰۸). این مشارکت به معنای پذیرش اصل برابری مردم است و هدف آن همفکری، همکاری و تشریک مساعی افراد در جهت بهبود کمیت و کیفیت زندگی است (نوروزی و بختیاری، ۱۳۸۸: ۲۵۰). از نتایج چنین اقتصادی مردمی، پدیداری اقتصاد پایداری است که بر مدیریت مردمی متکی است (شایان و همکاران، ۱۳۹۱). مقصود از مردمی‌کردن اقتصاد در گام اول، حساس کردن مردم به اقتصاد و سپس درگیر نمودن آنان از مصرف‌کنندهای منفعل به فعال در اقتصاد جامعه است. در گامهای بعدی درگیر کردن مردم به‌عنوان تولیدکننده و توزیع گر فعال و مهمتر از همه دخالت دادن مردم در توسعه کشور و رقم زدن توسعه مشارکتی قرار دارد که بسیار وسیعتر از دخالت دادن صرف سرمایه‌های مردم در اقتصاد است که از طریق اصل ۴۴ قانون اساسی باید تحقق بیابد و اعم از حضور و مشارکت مردمی در اقتصاد نیز است، اما نباید مردمی کردن اقتصاد را به آن تقلیل داد (شهبازی، ۱۳۹۳: ۴۱). با مشارکت مردم در اقتصاد جامعه، جلوی مفاسد اقتصادی، رانتخواری ویژه خواری‌ها گرفته می‌شود (میلانی، ۱۳۹۴: ۱۶).

صرفنظر از نوع مالکیت که دولتی باشد یا غیردولتی مردم باید در امور اقتصادی کشور نقش مهم و کلیدی داشته باشند. این امر نیازمند تغییرات اساسی در ساختارهای اقتصادی است که روابط بین دولت و مردم را تنظیم میکند. طبق قانون اساسی اقتصاد ایران دارای سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی است. در اصل ۴۴

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

بخش خصوصی مکمل دو بخش دیگر تلقی شده و این به معنی آن است که قانون اساسی درصدد پیشگیری پیامدهای منفی مالکیت خصوصی است. همچنین تجربه ناموفق واگذاری واحدهای تولیدی و خدماتی تحت تملک دولت به بخش خصوصی که عموماً منجر تولید فساد و تعطیلی آنها شده است را در کارنامه این بخشداریم. از سوی دیگر مالکیت دولتی بهویژه مبتنی بودن اقتصاد بر نفت و اقتصاد سرمایه‌داری دولتی، انگیزش لازم برای پیشرفت اقتصادی را به وجود نیاورده بلکه موجب عقب افتادگی اقتصادی، وابستگی، فساد، گسترش حوزه نفوذ دولت و بزرگ شدن و غیر پاسخگو شدن آن و دیگر پیامدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه شده است. صرفنظر از برخی اشکالات و انتقادات، به نظر میرسد اقتصاد تعاونی فواید هر دو نوع اقتصاد سرمایه‌داری و سوسیالیستی را در برداشته باشد. برای مشارکت عمومی مردم در اقتصاد مقاومتی گسترش تعاونی‌ها با مالکیت اجتماعی در کنار موارد یادشده در بالا میتواند تحول اساسی در تنظیم امور اقتصادی به وجود آورد و راهحل مناسبی برای پیشرفت اقتصادی کشور باشد. مالکیت اجتماعی به معنی آن است که مالکیت اموال عمومی از آن دولت است، اما اداره و بهره‌برداری از آن در قالب مشارکت در تعاونی‌ها به مردم سپرده می‌شود. نقش دولت نظارت بر تناسب فعالیت‌ها و ارتقاء بهره‌وری و عدم کاهش آن است. این شیوه راهحل مناسبی برای کوچکسازی دولت و واگذاری واحدهای اقتصادی تحت تملک دولت است. کوچکسازی دولت یعنی حداقل دخالت دولت در اداره امور و پرداختن به نظارت و سیاستگذاری بیشتر. مالکیت اجتماعی راهی برای مردمی نمودن بنیانهای اقتصاد مقاومتی است. تعاونی‌های اقتصادی (و نه خدماتی که خود کلاً بر دولت و دستگاه‌های دولتی هستند) می‌توانند حداقل برای یک دوره گذار موردتوجه قرار گیرند با خصلت اشتغالزایی خود نقش مهمی در کاهش نرخ بیکاری و رونق اقتصادی داشته باشند (پرچمی، ۱۳۹۵).

ـــ تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، تولید و رشد بهرهوری

توجه بر بهره‌وری در تولید، کاهش قیمت تمامشده تولیدات، کیفیت بهتر و خدمات بیشتر در رقابت با تولیدات خارجی و کاهش واردات، حمایت از تولید بهتر از سازوکار مهم پیشبرد اقتصاد مقاومتی است (میلانی، ۱۳۹۴: ۲۶). بخش خصوصی به‌عنوان موتور و محرکه اصلی رشد اقتصادی و صنعتی است که با به‌کارگیری سرمایه خود و جذب و مشارکت سرمایه‌های غیردولتی، استفاده بهینه از منابع انسانی و اعمال مدیریت کارآمد، ضمن ابقای نقش خود در رشد اقتصادی و صنعتی کشور می‌تواند اهداف توسعهای دولت را محقق نماید. اقتصاد مقاومتی بر پایه و اساس سرمایه معنوی افراد و جامعه استوار است و بخش خصوصی بدون شک برترین بستر برای همراهی مردم، به‌عنوان اصلیترین ارکان مقاومت در جامعه برای مقابله در برابر تحریم است (افشارکی و پورغفار، ۱۳۹۳). با حمایت از افزایش تولید و بهره‌وری و بالا بردن سطح رفاه عمومی میتوان پویایی را به اقشار جامعه بازگرداند و دولت میتواند از این فرصت به‌عنوان عاملی برای کارآمد نمودن نظام بروکراسی و افزایش بهره‌وری نیروی انسانی استفاده کند. در واقع گام اصلی در

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

ایجاد اقتصاد مقاومتی افزایش کارآمدی نیروی انسانی است و دولت با ارائه یک سیستم مدیریتی کارآمد، بهره‌وری را در بخشهای مختلف افزایش می‌دهد و با توانمند نمودن سیستم عملیاتی در کشور، بخش خصوصی را در این راه با خود همراه می‌سازد (شعبانی و نخلی،۱۳۹۲).

کاهش آسیبپذیری اقتصاد، افزایش کارایی فعالیتهای اقتصادی و همچنین ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی در شرایطی که انحصارهای گوناگون در بخشهای مختلف اقتصاد شکل‌گرفته باشد و بهتبع آن رفتار رانت جویی جایگزین ارتقا بهره‌وری شده باشد، غیرممکن است. لذا در یک اقتصاد مقاومتی، فراهم نمودن بستر رقابت سالم و مدیریت‌شده، یکی از مؤلفههای اصلی محسوب می‌شود. محور قرار دادن رشد بهره‌وری در اقتصاد از طریق تقویت عوامل تولید و بهینه کردن تعامل بین آنها، توانمندسازی و ارتقا بهره‌وری نیروی کار، کاهش هزینه‌ها و بهبود کیفیت اصلاح و بازسازی ساختار تولید ملی، همگی موجب افزایش قدرت رقابت خواهد شد (فولادگر، ۱۳۹۳: ۶). توسعه توان تولید داخلی برای رقابت با زنجیره‌های تولید خارجی از اهدافی است که اقتصاد مقاومتی بر آن متکی است. افزایش نوآوری، کارایی و بهره‌وری تولید داخلی در گروه تحرک در اصل رقابتپذیری است. یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر رشد تولید و افزایش بهرهوری در تولید در بازار رقابتی و شفافی است که در آن جامعه فرایند پیشرفت را آغاز می‌کند (فرابورس، ۱۳۹).

ـــ کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی

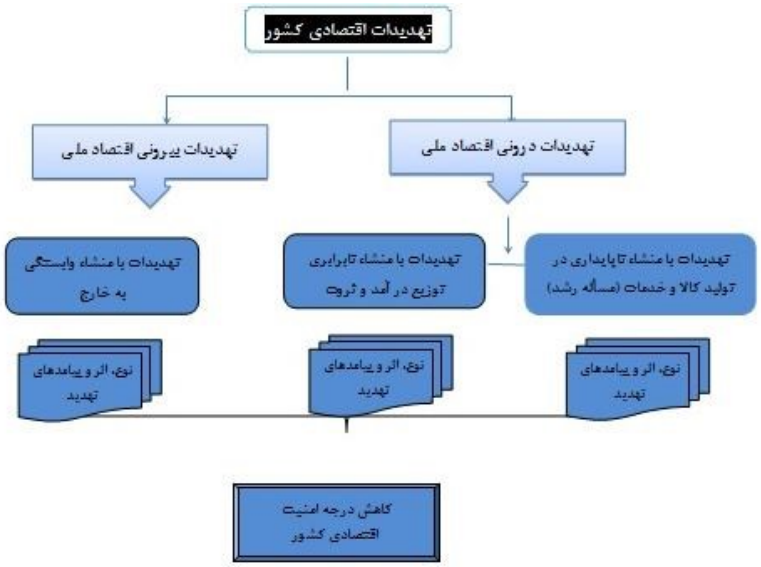
در مورد میزان و شدت آسیبپذیری یک اقتصاد بحث میکند Economic Vulnerability آسیبپذیری اقتصادی (حسینی زاده، ۱۳۹۵). مفهوم اقتصاد مقاومتی به معنای رویکرد رفع آسیبپذیری اقتصادی است (سیف، ۱۳۹۵). مفهوم آسیبپذیری در ارتباط با اقتصادهایی است که همواره در معرض مخاطرات و تهدیدات داخلی و خارجی قرار دارند رویکرد راهبردی در اقتصاد مقاومتی عبارت از اقتصاد مردمی، توسعه کارآفرینی، اقتصاد دانش بنیان، انعطاف‌پذیری در برابر شوکها، اصلاح نظام درآمد، مدیریت جهادی، اقتصاد درونزا و مدیریت مصرف و بهرهوری حداکثری است (سمیعی نسب، ۱۳۹۳: ۱۱۹). بسیاری از مطالعات در خصوص آسیب‌پذیری اقتصاد، شواهد تجربی مربوط به اقتصادهای کوچک که آمادگی بیشتری برای آسیب‌پذیری نسبت به سایر کشورها را دارند، ارائه می‌کنند. آسیب‌پذیری این کشورها که به خاطردرجه بالای باز بودن اقتصادی، تمرکز بر صادرات و وابستگی بیشتر به واردات است، باعث می‌شود کشورهای مذکور درمعرض تکانه های برونزا قرار گیرند و همین امر با افزایش ریسک در فرآیند رشد آنها تبدیل به موانعی بر سر راه توسعه اقتصادی میگردد؛ بنابراین آسیبپذیری اقتصاد بر پایه این موضوع که برخی کشورها به دلیل درجه بالای باز بودناقتصادی، تمرکز بر صادرات و وابستگی بیشتر به واردات مستعد پذیرش تکانه‌های خارجی هستند، تعریف‌شده است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

برایجوجلیو در این خصوص بیان می‌کند که آسیب‌پذیری هر اقتصاد، ناشی از ویژگی‌های دائمی و یا ذاتی آن اقتصاد است؛ اما نکته جالبی که از بررسی اقتصادهای آسیبپذیر به دست می‌آید، این است که تعداد زیادی از این کشورها علیرغم درجه آسیبپذیری بالا، از رشد بالایی نیز برخوردار هستند که نشان می‌دهد در کشورهای مذکور عواملی وجود دارد که آسیب‌های ناشی از تکانه‌های خارجی را در این کشورها از بین برده و یا جبران میکند که از نمونه بارز این کشورها میتوان به مالزی و هنگ کنگ و در صدر آنها به سنگاپور اشاره نمود (سایت مسیر نما، ۱۳۹۵). شاخصه اقتصاد مقاومتی، توانایی مقاومت اقتصاد در برابر عوامل تهدید زا است و بیان دیگر پایین بودن درجه آسیبپذیری اقتصاد از تکانه‌های درونی و بیرونی است. این مهم با کاهش درجه بالای وابستگی اقتصاد در نیازهای راهبردی یا وابستگی به مؤلفه‌های پیشران محدود میشود. وابستگی تولید و مصرف به واردات، وابستگی به شرکای تجاری محدود، وابستگی به منابع درآمدی و ارزی محدود، وابستگی به منابع انرژی محدود از مصادیق غیر مقاومتی اقتصاد است. علت توجه به اقتصاد مقاومتی، آسیبپذیری اقتصاد ایران است. علت این آسیبپذیری در:

۱. درجه باز بودن اقتصاد، ۲. وابستگی به واردات کالاهای راهبرد و سرمایه‌ای، ۳. وابستگی به صادرات یک کالای خاص، ۴. دولتی بودن اقتصاد است (سمیعی نسب، ۱۳۹۳: ۱۳۸).

نمودار ۱: تهدیدها و آسیب‌پذیری اقتصادی کشور



منبع: سایت مسیر نما، ۱۳۹۵

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

ـ شکل گیری اقتصاد دانشبنیان

شرکتهای دانش بینان میتواند نقش قلب تپنده اقتصاد کشور را ایفا کنند (اخوان، ۱۳۹۴). در دیدگاه مقام معظم رهبری، کارآفرینی و ایجاد بنگاههای اشتغال، بازویی اقتصادی جامعه هستند (اخوان و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰). پس یکی از اقدامه‌ای سیاسی برای اقتصاد مقاومتی، کارآفرینی است (ملاداوودی، ۱۳۹۳). اقتصاد دانش بنیان، اقتصادی است که مستقیماً بر مبنای تولید، توزیع و مصرف دانش و اطلاعات قرار دارد؛ یعنی ۱- در اقتصاد دانش بنیان، دانش به کالا تبدیل شده و به فروش می‌رسد. ۲- اقتصاد وابسته به مجموعه‌ای از نظام‌ها و فرایندهای دانشی جامعه است. ۳- سهم قابل توجهی از تولید سرانه ملی در رشته فعالیتهای دانش پایه تولید میشود (جباری پور هریس، ۱۳۹۳). کشورهای با توسعه علمی ضعیف درصورتیکه در فرایند پیشرفت جامعه خود به نظم اجتماعی و تعادل در رشد تمامی اجزای نظام اجتماعی در برنامهریزیهای خود توجه داشته باشند از پیشرفت علمی سریعتری هم برخوردار خواهند شد. همچنین با توجه به کارکرد تغییر آوری و نظم آفرینی نهاد علم درصورتیکه پیشرفت علمی نظم در جامعه را تقویت نماید علاوه بر رشد مضاعف خود، موجب پیشرفت جامعه نیز خواهد شد. از سوی دیگر نهاد اقتصاد، حساسترین نهادها نسبت به تغییرات است و تغییرات علمی و فناوری حاصل از آن خود را در نهاد اقتصاد نشان می‌دهند. بر این اساس لازم است نهاد علم کشور که بخشی از سازمان اجتماعی آن شامل دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌هاست، فعالیتهای خود را به گونه تنظیم نماید که پاسخگوی نیازهای کشور در بستر اقتصاد مقاومتی باشد. برای این منظور لازم است در فرآیند پیشرفت علمی رویکرد نهادگرایی در دو سطح خرد و کلان مورد توجه باشد. نهادگرایی علمی در سطح خرد به معنی نقش محور شدن نهاد علم است. نهاد علم در تربیت نیروی انسانی خود اعم از ارتقای دانش فنی و جامعه-پذیری و انتقال فرهنگ، افزایش توانایی برای ایفای نقشهای اجتماعی که افراد در جریان زندگی خود اختیار میکنند را محور قرار داده و دانش لازم برای ایفای نقشهای اجتماعی عام را علاوه بر دانش و مهارت‌های لازم برای نقشهای خاص (شغلی) به افراد انتقال و از تک بعدی نمودن آنها برای ایفای نقش شغلی پرهیز شود. نهادگرایی علمی در سطح کلان در دو بعد قابل طرح است: ۱- نهاد محوری نهاد علم، نهاد علم در تولید و انتقال علم متناسب با کارکردهای نهادهای دیگر به گونهای عمل کند که کارکرد آنها و روابطشان باهم و با نهاد علم تسهیل شود و موانع آن رفع گردد. نظام اجتماعی و اجزای آن برای دستیابی به اهدافش آنکه پاسخگویی به نیازهای افراد و فراهم نمودن شرایط رشد و پیشرفت فردی و اجتماعی آن‌ها و حداقل تولید سرمایه های چهارگانه (فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی) است به تعادل برسد. همچنین مهارتها بهگونهای ارائه شود که ایفای نقش‌های شغلی افراد در نهادهای مختلف و دستیابی به هدف آن نهادها را تسهیل نماید. ۲- علم محوری نهادهای دیگر، نهادهای مختلف برای تنظیم روابط نقشهای درونی خود و روابط خود با سایر نهادها، به منظور به تعادل رسیدن نظام اجتماعی ودستیابی به اهداف آن مبتنی بر یافته های علمی (کارکردهای نهاد علم) عمل نمایند. نهاد علم باید از توانایی شناخت موانع نهادگرایی علمی و ارائه راه حل برای آنها در

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

سطوح مختلف نیز برخوردار باشد. این رویکرد موجب ایجاد، حفظ و ارتقاءنظم اجتماعی در جامعه نیز خواهد شد (پرچمی، ۱۳۹۵). اقتصاد دانش بنیان یکی از مظاهر و مؤثرترین مؤلفه اقتصادمقاومتی است. از جمله سیاست‌های آن، پیشتازی اقتصاد دانش بینان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و سازماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقای جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش بینان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش نبیان در منطقه است (جمالی و جابری، ۱۳۹۴: ۱۰۲). مؤثرترین مؤلفه اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش بنیان است. اقتصاد دانش بنیان، اقتصادی است که بر اساس تولید، توزیع و کاربرد دانش و اطلاعات شکلگرفته است و سرمایه‌گذاری در دانش و صنایع دانش پایه موردتوجه خاص قرار می‌گیرند (معمار نژاد، ۱۳۸۹: ۸۵). اقتصاد وابسته به منابع طبیعی و نهاده‌های ارزان نمیتواند ساخت مقاومتی داشته باشد و در یک اقتصاد مقاومتی، پیشران اصلی اقتصاد، دانش و نوآوری است. بدین معنی که سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش بینان در کل تولید ناخالص داخلی بالا بوده و بخش اعظم ارزش افزوده، توسط نیروی کار متخصص آفریدهشده و در واقع مبتنی بر سرمایه انسانی است (فولادگر، ۱۳۹۳: ۵). این اقتصاد به طور مستقیم با تولید، توزیع و مصرف دانش و اطلاعات ارتباط دارد؛ و دانش محرک اصلی رشد، ایجاد ثروت و اشتغال است (معاونت برنامه‌ریزی و توسعه تبریزی، ۱۳۹۵: ۴۳).

ب. اجتماعی

- ارتقای عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی شاخصی است که بیشترین اهمیت را برای طراح و ابلاغ کننده سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی داشته است. رشد و رونق اقتصاد بودن تأمین عدالت اجتماعی به هیچوجه مورد قبول جامعه نبوده است. الزامات تحقق عدالت در سیاستهای اقتصاد مقاومتی، تقویت رقابت پذیری بین مناطق، طراحی سازوکارهای سهم بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف و طراحی مکانیسم‌های باز توزیعی است (فولادگر، ۱۳۹۳: ۷). رفع فقر و برقراری عدالت اجتماعی از مهمترین اهداف انقلاب اسلامی بوده که در قانون اساسی جمهوری اسلامی و مجموعه سیاستها و برنامه‌های نظام و سخنان مقام معظم رهبری همواره موردتوجه بوده و در مواضع متعددی از سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی مورد تأکید قرارگرفته است. قرآن کریم برقراری عدالت اجتماعی را در زمره اهداف رسولان الهی قرار داده است.» قَدْ أَرْسَلْنَا رُسلَنَاَ بِالْبَیِّنَاتِ وَ أَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْکِتَابَ وَ الْمِیزَانَ لِیَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ«﴿حدید:۲۵﴾. کلمه «لیقوم» که از ماده قوم است، نشان می‌دهد که عدالت مایه قوام و برپایی جامعه است؛ و این معنا در روایات متعددی مورد تصریح قرارگرفته است که به چند مورد از آنها اشاره می‌کنیم: الإمام علیّ علیهالسلام: العَدلالعَدلُ أقوی أساسٍ (غرالحکم، ۸۶۳). «عدالت استوارترین پایه است». عنه علیه‌السلام: العَدلُ قوام الرَّعِیَّة، وجَمالُ الوُلاة. «عدالت برپادارنده جامعه و زینت حاکمان است». عنه علیهالسلام: جَعَلَ اللهسُبحانَهُ العَدلالعَدلَ قِواما لِلأنام، وتَنزیها مِنَ

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

المَظالِمِ وَالآثامِ، وتَسنِیَةٌ لِلإسلامِ. (غرالحکم، ۴۷۸۹). خداوند سبحان عدل را مایه استواری مردم، پیرایش آنان از ستمها و گناهان و آسانسازی اسلام قرار داد (انجمن اقتصاد اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۹۳).

ــ حرکت از اقتصاد رانتی دولتی به اقتصاد خصوصی

اقتصاد رانتی نقطه مقابل کارآفرین است (سیف، ۱۳۹۵). فساد و رانت از عوارض اقتصادهای دولتی است و وقتی منابع

مالی کشوری بهطور مشخص در دست گروه یا جناح خاصی باشد، احتمال اینکه بهجای کار و تلاش خود و ایجادارزشافزوده بر کالاهای اولیه کشور، تنها به بهره‌برداری از منابع نفتی اقدام کنند، بسیار زیاد است؛ اما وقتی در اقتصاد، کارآفرینان بخش خصوصی حضورداشته باشند و افراد بر اساس رقابت و بازدهی به منفعت دسترسی پیدا کنند، دیگر فسادو اختلاس رخ نمیدهد و نقش دولت بهعنوان تنظیم‌کننده و کنترل‌کننده بین سایر حوزه‌های درگیر در اقتصاد خلاصه میشود. همچنین دولتی بودن بخش عظیمی از اقتصاد کشور، از مهمترین علّتهای شیوع فساد مالی در کشور است. در این صورت مردم می‌کوشند به منابع حکومتی نزدیک شده، به آنها چشم دوزند و تلاش بسیاری را برای سوءاستفاده از موقعیتها و امتیازات دولتی مبذول دارند. رانت بر روی اقتصاد دارای دو کارکرد مهم دارد: ۱- حاکم شدن روحیه رانتی بر کشور بهجای روحیه کار و کوشش برای ثروتمند شدن و ۲- دولتهای رانتی بدون مشورت با گروه‌های اجتماع و بدون در نظر گرفتن مسائلی همچون کارایی و بازدهی اقتصادی، برنامه‌های خود را به اجرا درمی‌آورد و درنتیجه به بخشهای کشاورزی و جامعه مدنی توجهی نمی‌کند. پیامدهای اقتصادی شیوع فساد مالی در جامعه می‌تواند شامل ضد رشد و توسعه بودن مفاسد مالی، ایجاد و گسترش فقر و آثار و پیامدهای آن و نیز تغییر فرهنگ اقتصادی شود شفافیت عملکرد مراجع تصمیم‌گیری و حذف نهادهای موازی، برداشتن حاشیه امنیت از گروههای خاص برای رسیدگی به تخلفات احتمالی، افزایش قدرت مراجع قضایی و دادگاه‌های رسیدگی به جرائم اقتصادی، حمایت از رسانه‌های متعهد برای پیگیری جرائم اقتصادی و تلاش برای جذب رانت با اطلاعرسانی دقیق و به موقع (حاجی یوسفی، ۱۳۸۸: ۶۵).

ــ فساد زدایی اجتماعی: شفافسازی و سالمسازی

شفافسازی اقتصاد، سالمسازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیتها و زمینههای فسادزا در حوزه پولی، تجاری و ارزی مبارزه با فساد در تقویت اقتصاد مقاومتی مؤثر بوده و سستی در آن موجب تضعیف استقامت اقتصاد میشود (جمالی و جابری، ۱۳۹۴: ۹۹). با وقوع انقلاب اسلامی، نظام سیاسی و با وقوع جنگ تحمیلی، نظام دفاعی کشور متحول و از مدلی برخوردار گردیدند که تاکنون ضمن حفاظت از انقلاب و دستاوردهای آن در پارهای از موارد تبدیل به مدل جمهوری اسلامی و الگوی مقاومت در دیگر سرزمینهای اسلامی نیز شدهاند. نظام فرهنگی جامعه نیز در بخشهایی معدود متحول (مانند بخشهایی از نظام

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

تولید علم و هنر) و در بخشهایی اساسی، بدون تغییر مانده است؛ اما در نظام اقتصادی تقریباً هیچ تحولی متناسب با اصول حاکم بر انقلاب اسلامی شاهد نبودهایم. الگوهای مورداستفاده ما ابتدا اختلاطی از سوسیالیسم و پسازآن هم بازگشتی به الگوهای اقتصادی سرمایهداری، لیبرالیستی و نئو لیبرالیستی وابسته به نفت بوده است. اقتصادی وابسته، غیر تولیدی و مصرفی که سایر بخشها و نهادهای اجتماعی را متأثر کرده است. اقتصادی که دولت بجای تولیدی بودن و حمایت از تولیدکنندگان خود نقش تاجر بزرگی را یافته و در همه زمینههای اقتصادی با پشتوانه نفت واردشدهاست. اقتصادی نفتی که حوزه نفوذ دولت را گسترده کرده و نظام دیوانسالار بزرگ، تنبل و نامتناسب با نظام اجتماعی کهبخش خصوصی و تعاونی را ناتوان در رقابت نموده را ایجاد کرده است. این نظام اقتصادی تولید و کار را بیارزش، دلالی و واسطهگری و سوءاستفاده از فرصتهای عمدتاً غیرقانونی را ارزشمند نموده و فسادزاست (پرچمی، ۱۳۹۵). از مهمترین سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی، شفافسازی اقتصاد و سالمسازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیتها و زمینههای فسادزا در حوزه پولی و مالی است. شفافیت حرکت در جریان نقدینگی در بازار سرمایه امکان رانت جویی، انحصار و حمایتهای غیرمنصفانه را به حداقل خود میرساند و امنیت مالی را برای سرمایهگذاران و تقاضاکنندگان تأمین مالی بخشخصوصی جلوهگر میسازد (فرابورس ایران، ۱۳۹۳). سازوکار خشکانیدن ریشه فساد اقتصادی، شفافیت در جامعه است. عدم ریشهیابی فساد مالی و اقتصادی، سیستم اقتصادی را ناکارآمد میسازد. وقتی در یک نظام اقتصادی، شفافیت نباشد، تاریکخانهای ایجاد میشود که هر سودجویی میتواند در آن امیال خود را بهپیش ببرد و به سودهای کلان دست یابد. از آثار چنین اقتصاد ناسالمی، تصدیگری دولتی و دخالت مستقیم است. چنین سیستمهایی ناخودآگاه، بستر فساد اقتصادی را بازتولید مینماید. با کاهش تصدیگری دولتی، امتیازات انحصاری از بین رفته و رقابت در بازار حاکم میشود. در این حالت دیگر این سیستم نیست که فساد مالی را بازتولید میکند، بلکه هر تخلفی که در این شرایط رخ میدهد، قابل پیگیری بوده و میتوان بهآسانی با آن برخورد قانونی کرد؛ یعنی باید نظارت مدنی در نظام اقتصادی حاکم باشد (پازوکی، ۱۳۹۴).

عدم شفافیت در اقتصاد موجب فساد اداری، اقتصادی و مالی و همچنین امکاناناپذیری برنامهریزی صحیح و جامع اقتصادی و متناوب بودن سیاستها در اقتصاد گردیده است. یکی از ابزارهای اصلی شفافسازی اقتصاد، ایجاد بانکهای جامع اطلاعاتی است (صمصامی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱). لازمه مردمی کردن اقتصاد، ارتقای عدالت اجتماعی، بهبود رقابت و تولید در اقتصاد، امنیت بستر فعالیت اقتصادی و کاهش فساد در فرایندهای اقتصادی است. شفافسازی، شرط اصلی فساد ستیزی و سالمسازی اقتصادی است. بهزعم کارشناسان، در حال حاضر ریشه بسیاری از مسائل خرد و کلان اقتصاد جامعه در بخشها و حوزه مختلف با فقدان شفافیت اطلاعات اقتصادی است. ایجاد بستر رقابت و همچنین ثبات تصمیمگیری در قوانین و مقررات نیز از الزامات دیگر سالمسازی اقتصاد است. مبارزه با ویژه خواری، رانت خواهی، انحصارات غیرقانونی دولتی و چند نرخی قیمتگذاری ازجمله مصادیق فساد اقتصادی است (فولادگر، ۱۳۹۳: ۷).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

ـــ حمایت از تولید ملی

هدف اصلی اقتصاد مقاومتی، تولید ملی است با این کار تحریم‌ها بیاثر شده و استقلال، رفاه و پیشرفت از طریق:

۱- افزایش موجودی کالای اقتصادی، ۲- کاهش تورم، ۳- کاهش وابستگی به کالای خارجی، ۴- کاهش نیاز به ارز، ۵- افزایش استقلال و ۶- افزایش درآمدی دولت، تحقق می‌یابد (عبدالملکی و صادقی، ۱۳۹۵: ۳۱۹). شرط استقلال اقتصادی در تولید ملی، پاسخگویی به نیاز اجتماعی مردم و داشتن توان رقابتی آن در بازارهای خارجی و توان مبادله با محصولات دنیا و درنهایت خودکفایی در تولید کالاهای ضروری و استراتژیک است (جمالی و جابری، ۱۳۹۴: ۹۹). یک رکن دیگر اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید ملی است. رهبر انقلاب بر ضرورت تداوم تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی تأکید داشتند. این سه حلقه بر رویهم تأثیر میگذارند. راه تقویت تولید داخلی بالا بردن کیفیت محصولات و گذر ازکمیت به کیفیت است (افشارکی و پورغفار، ۱۳۹۳). شکلگیری روحیه جهاد اقتصادی، تولید ملی و حمایت از تولید ایرانی از شاخص مهم در اقتصاد مقاومتی است (میلانی، ۱۳۹۴: ۲۱). رهبر معظم انقلاب (مد) در این زمینه می‌فرماید: » اگر به توفیق الهی و بااراده و عزم راسخ ملت و با تلاش مسئولان، ما بتوانیم مسئله تولید داخلی را آنچنانکه شایسته آن است، رونق ببخشیم و پیش ببریم، بدون تردید بخش عمدهای از تلاشهای دشمن ناکام خواهند ماند. پس بخش مهمی از جهاداقتصادی، مسئله تولید ملی است« (خامنه‌ای، ۱۳۹۱). با خودکفایی، جامعه میتواند کالاها و خدمات موردنیاز خود را تولیدکند و در کالاهای اساسی به بیگانگان وابسته نباشد. خودکفایی و اقتدار اقتصادی مستلزم توانمندی کمی و کیفی در تولید است؛ زیرا بسنده کردن به تولیدات اندک یا نامطلوب داخلی نمیتواند اقتدار ملی را به ارمغان آورد (سید نژاد، ۱۳۹۰: ۸۵). سازوکار تقویت تولید ملی از طریق بهبود فضای کسبوکار، حذف قوانین و مقررات اقتصادی ناسالم، فساد ستیزی، ثبات سیاست اقتصادی کشور، تقویت نظام مالی کشور، توجه به سیاست کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، بازنگری در عملکرد اقتصادی دولت، توسعه زیرساختهای اقتصادی- سیاسی، حمایت از تولید در سیاست تجاری و مبارزه با پدیده رانت و کالاهای قاچاقی است (میرزاخانی، ۱۳۹۱). رونق تولید داخلی و کاستن از وارداتی که میتواند به افول و کم رونقی و توقف واحدهای تولیدی داخلی منجر شود، استقلال اقتصادی، قطعه وابستگی به خارج، ارتقای تکنولوژی در سطح کلان شکل می‌گیرد البته بهطوریکه اقتصاد مقاومتی به معنای تحمیل فشار بر مردم نباشد (میلانی، ۱۳۹۴: ۲۵).

ج. فرهنگی (باوری- فکری)

ـــ تقویت روح خودباوری و خوداتکایی ملی

وجود اعتماد در جامعه و رشد اقتصادی رابطه مستقیمی وجود دارد. اعتماد متقابل بین افراد یک جامعه با سهولت بخشیدن به فعالیتهای اقتصادی موجب افزایش کارایی در اقتصاد می‌شود. اعتماد اثری مثبت بر

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

عملکرد اقتصادی داشته و توضیح دهند بخشی از کارایی کل عوامل تولید است (آذری، ۱۳۸۵). حضور اعتماد در جامعه منجر به رشد اقتصاد می‌گردد (غفاری و همکاران، ۱۳۹۴). روح خودباوری و خوداتکایی سبب میشود انسان هر آنچه نیاز اقتصادی است، برآورده سازد و با آبادانی و تولید و تصرف در جهان مادی، آن را برای آسایش جامعه مورد بهرهبرداری قرار دهد. اینگونه است که آستانه تحمل جامعه نسبت به فشارهای سلطه گران مستکبر افزایش مییابد و امکان تسلط به آنان را نمی‌دهد (خامنه‌ای، ۱۳۹۳). یکی از پایه‌های شکل‌گیری کاری اقتصادی، داشتن روحیه خودباوری است. انسانی که خود را باور کند و به خود اعتماد کند، نهتنها نیازهای اقتصادی در آن زمینه را برطرف میکند؛ بلکه می‌تواند موجب خلق شگفتی‌های جدید اقتصادی شود.

ـــ مدیریت مصرف

مصرف فرایندی است که در آن ارزش استفاده از منابع به‌منظور رفع نیاز یا کسب مطلوبیت خانوار برای ارضای نیازها از بین می‌رود (رزاقی، ۱۳۷۴: ۳۵). الگوی مصرف از سه مؤلفه سطح مصرف کالاها و خدمات، ترکیب کالاها و خدمات مصرفی و نوع کالاها و خدمات مصرفی تشکیل شده است (رفیعی، ۱۳۸۸). مهمترین عامل تعیینکننده مصرف، درآمد است به گونه‌ای که هر چه درآمد بیشتر باشد مصرف بیشتر خواهد بود و برعکس، ولی ازنظر اسلام باید اعتقادات و باورهایدینی و سطح فکری و فرهنگی آحاد جامعه را نیز از عوامل تعیین‌کننده مصرف دانست (حسینی، ۱۳۸۹). در اقتصادمقاومتی، خودداری از اسراف و ضایع کردن کالاها و ذخیره‌سازی کالاهای اساسی در ابعاد حجیم توسط دولت و انبارهایکوچک، هدایتشده و هوشمند توسط مردم حتی در زمان صلح و آرامش جهت تأمین امنیت غذایی مردم از اهدافاستراتژیک جامعه است (میلانی، ۱۳۹۴: ۲۰). فقدان مدیریت مصرف، رشد جامعه را به تأخیر می‌اندازد. یک مسئله هم دراقتصاد مقاومتی، مدیریت مصرف است. مصرف هم باید مدیریت شود. فرهنگسازی به همراه اقدام عملی، امری لازم درمدیریت مصرف جامعه است. در سوره فرقان، آیه ۶۷، حرکت در مداری بهدوراز افراطوتفریط، راه رسیدن به پایداری و استقلال است (افشارکی و پورغفار، ۱۳۹۳: ۱۴). پس نقطه شروع اقتصاد مقاومتی، سیاست‌گذاری برای اصلاح الگوی مصرف است. مصرف، تولید را جهت میدهد و این دو در کنار همجهت سرمایه‌گذاری را مشخص می‌کنند (میلانی، ۱۳۹۴: ۲۴). قناعت نوعی سبک زندگی اسلامی است که بر عزت و آزادگی مبتنی است. به تعبیر امام سجاد (ع): هرکس به دادههای خدا قانع و راضی باشد از غنیترین و بینیازترین مردم است (تحف العقول: ۲۸۵). اقتصاد مبتنی بر قناعت به معنای مصرف به مقدار کفایت است که مهمترین عامل در ایجاد آسایش پایدار و راحتی دانسته شده است. مردم جامعه باید تفکر خود را نسبت به مصرف تغییر دهند و از مصرف‌گرایی و هزینه‌های غیرضروری در همه موارد خودداری کنند (افشارکی و پورغفار، ۱۳۹۳).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

د. سیاسی (مدیریتی)

-کاهش وابستگی به نفت

ازنظر شاخصهای اقتصادی ملاک اصلی، وابستگی دولت به منبع درامد یا تک محصولی بودن اقتصاد همان وابستگی نفتی است (هزاوئی و زیرکی حیدری، ۱۳۹۳: ۱۱). یک جامعه نفتی ویژگی خاصی دارد. به لحاظ اقتصادی وابسته به یک منبع است. وابسته به بخش صنعتیای که به شدت سرمایه بر و به شکل جزیره است، هستند و متکی به کالای اولیه‌ای می‌باشند که فناپذیر است. آنها اتصال به منبعی دارند که قابلیت پدید ساختن رانتهای فوق‌العاده را دارد و این رانت بزرگ در خدمت و در دستان دولت است (ملکی، ۱۳۹۰: ۳۶). کاهش وابستگی به اقتصاد نفتی که معمولاً با عرضه مواد خام به خارج همراه است، تأثیر به سزایی در اقتصاد مقاومتی دارد، امنیت اقتصادی را بالا برده و از نوسانات شدید در داخل کشور می‌کاهد (جمالی و جابری، ۱۳۹۴: ۱۰۰). راه برونرفت از اقتصاد نفتی ایران و رهایی از وابستگی، تکیهبر اقتصاد بومی و فاقد نفت و درامدهای ارزی حاصل از آن است (علیزاده، ۱۳۹۱: ۳۱). اقتصاد مقاومتی سعی در رهایی از اقتصاد نفتی دارد؛ یعنی کاهش اتکا به نفت از طریق کاهش واردات و افزایش صادرات غیرنفتی یا کالاهای استراتژیک متکی بر نفت مانند پتروشیمی است (میلانی، ۱۳۹۴: ۱۸). اقتصاد نفتی، مانع توسعه صادرات جامعه است و این امر منجر به آسیب‌پذیری اقتصادی و کاهش توان رقابتی آن می‌شود (هادی زنوز، ۱۳۹۲). کاهش وابستگی به نفت یکی دیگر از مؤلفههای اقتصاد مقاومتی است. ضعف اقتصاد ایران در وابستگی به اقتصاد تکمحصولی نفت راه حل تحریم نفتی را پیش پای غرب قرار می‌دهد. نفت نوعی ابزار فشار غرب بر اقتصاد ایران است (عربی، ۱۳۹۲: ۲۵). نظامات اقتصادی کشور در طول تاریخ به‌گونه‌ای شکل‌گرفته‌اند که بخش قابل‌توجهی از منابع دولت‌ها و نیز بخش قابل توجهی از درآمدهای ارزی کشور، متکی بر فروش نفت و گاز است. لذا وقوع نوسانات ناخواسته و پیش‌بینی نشده درآمدهای نفتی میتواند صدمات قابلت وجهی به اقتصاد جامعه وارد آورد. پس کاهش ضربه پذیری درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز از طریق بهبود فرایندهایفروش نفت خام و نیز تنوع بخشی به سبد صادراتی بخش انرژی بهمنظور کاهش سهم نفت خام؛ دربند ۱۳ سیاستهای کلی مدنظر قرارگرفته است. همچنین حرکت به سمت اقتصاد دانش بینان و فاصله گرفتن از خام فروشی، درگرو توسعه و تکمیل زنجیره ارزش در صنایع پایین‌دستی نفت و گاز است. لازمه برونگرایی و مردمیشدن اقتصاد، افزایش رقابت پذیری و انعطاف‌پذیری و نهایتاً ارتقا مقاومت اقتصادی و کاهش ضربه پذیری اقتصاد، تکمیل زنجیره ارزش در صنایع مختلفاست (فولادگر، ۱۳۹۳: ۶). فرآوردههای این شرکتهای دانش بنیان علاوه بر تأمین نیازهای داخلی کشور می‌توانند قابلیت صادرات داشته باشند و بازارهای منطقه‌ای را به دست بگیرد. برخی از سیاست‌هایی که در این خصوص می‌توان مطرح نمود، عبارتاند از: جایگزینی درآمدهای جاری به جای نفت مانند مالیات و درآمدهای ترانزیتی و متکثر نمودن شرکای تجاری از یک شریک عمده به چندین شریک کوچکتر (عسگری، ۱۳۹۱). اقتصاد نفتی درونگرا در تقسیم کار جهانی، جامعه را در جایگاه کشور صادرکننده

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

انرژی و واردکننده کالاهای اساسی قرار داده که به دلیل شوکهای نفتی و با توجه به تک‌محصولی بودن، جایگاهی پرمخاطره است (هادی زنوز، ۱۳۹۳). پیامدهای وابستگی نفتی در جامعه عبارت از ۱- عدم تحرک در تولید کل و سرانه؛ ۲- ساختار نامناسب تولید؛ ۳- عدم تناسب سیاست پولی و بانکی؛ ۴- مشکلات اداری-اجرایی؛ ۵- ضعف روحیه علمی حاکم بر جامعه؛ ۶- گسترش نامناسب بخش خدمات؛ ۷- دوگانگی شدید ساختار اقتصادی؛ ۸- محدود شدن ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری؛ ۹- وابستگی مصرف به دنیای خارج؛ ۱۰-تأثیرپذیری شدید وضعیت کلی اقتصاد از تصمیمات و تحولات اقتصادی جهان خارج؛ ۱۱- ایجاد شکاف‌های عمیق فرهنگی- اجتماعی هستند (هزاوئی و زیرکی حیدری، ۱۳۹۳: ۲۳).

ـــ اصلاح نظام مالی

دولت در حوزه مالیاتی نیز نیاز دارد به رفع مشکلات مقرراتی بپردازد و در سختگیریهایی که به بخش خصوصی روا میدارد، تجدیدنظر کند و فضای تنفسی به بخش خصوصی بدهد تا بتواند روی پای خود بایستد. انضباط و بازرسی مالی ازجمله مهمترین درخواستهای فعالان اقتصادی از دولت است؛ چراکه بخش بزرگی از اقتصاد کشور در حال حاضر زیر چتر مالیاتی قرار ندارد؛ زیرا یا به راحتی از مالیات فرار میکنند یا اصلاً مشمول آن نمیشوند؛ بنابراین مالیات منحصر به بخشی از تولیدکنندگان و کارکنان دولت بوده است. میزان درآمدهای مالیاتی دولت در سال ۹۳ در مقایسه با سال ۹۲ معادل ۵۰ درصد افزایشیافته است، درحالیکه این مسئله با نرخ رشد اقتصادی، شرایط بشدت رکود فعلی همخوانی ندارد. در این شرایط باید فشارها را از روی تولید کم کرد نه اینکه فشار بیشتری به تولید وارد نمود. نظام پولی و مالی در یک اقتصاد پیشرو و مقاوم، در خدمت اهداف بخش واقعی اقتصاد قرار دارد؛ یعنی پشتیبان بخش تولید است نه رقیب آن. بدون همراهی نظام تأمین مالی کشور، امکان مقاوم‌سازی و تولیدمحوری و فساد زدایی از سیستم اقتصادی وجود ندارد.

طراحی و سیاستگذاری نامناسب نظام مالی از یکسو موجب عدم ثبات در کل اقتصاد شده و از سوی دیگر انواع تأمین مالی کوتاه مدرت و بلندمدت بری فعالیت‌های مولد و پوشش ریسکهای تولید را با مشکل مواجه می‌کند.

ـــ اصلاح نظام درآمدی دولت

اتکای بیشازحد دولتهای مختلف پیش و پسازآنقلاب بر درآمدهای نفتی و برخورد مصرفی با این سرمایه ملی، عارضهای است که سالیان متمادی دامنگیر اقتصاد ایران شده است. این پدیده از یکسو پاسخگویی دولت در قبال عملکردخود و ناکارآمدی نظارت مردم بر دولت شده و از سوی دیگر باعث عدم توسعه نظام مالیاتی عادلانه و کارا و عدم لحاظ منافع بخشهای مولد در اقتصاد گردیده است. این اصل بیش از

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

دیگر ارکان در قوانین و سیاستهای پیشین مورد تأکید قرارگرفته است، اما متأسفانه سرعت حرکت به سمت آن نامطلوب بوده است (فولادگر، ۱۳۹۳: ۶).

ـ حذف ناکارآمدی سیستم بانکی

وجود سیستم بانکداری صحیح مبتنی بر استانداردهای بینالمللی یک عامل بدیهی برای داشتن اقتصادی استوار و باثبات محسوب میشود. فاکتورهای تأثیرگذار در سیستمهای بانکی موفق عبارتاند از:

ـ نرخ بهره پایین در قبال ارائه تسهیلات بانکی؛

ـ ارائه وامهای طولانی مدت و کمبهره در بخش تولید و صنعت با شرایط آسان؛

ـ جلوگیری از افزایش نقدینگی و جذب سرمایه‌های سرگردان و هدایت آنها به سمت تولید و سازندگی؛

ـ ایجاد فضایی امن برای انجام معاملات تجاری؛

ـ تعامل مستمر و ایجاد ارتباطات مالی با سایر بانکها در کشورهای مختلف؛

ـ تسهیل در انجام معاملات بینالمللی؛

ـ ارائه خدمات نوین و باکیفیت بانکی و الکترونیکی کردن آنها؛

ـ حصول اعتماد مشتریان و بالا بردن اعتبار خود؛

ـ نظارت مستمر بر فعالیتهای مالی بانکها جهت جلوگیری از هرگونه فساد و اختلاس. ر. روانی

ـ امنیت غذایی

الزام کاهش وابستگی راهبردی در حوزه کالاهای اساسی و خصوصاً کالاهای مرتبط با حوزه غذا و درمان اهمیت مضاعفی مییابد. بر این اساس بند ۶ و ۷ سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی بر این موضوع تمرکز نموده و افزایش تولید داخل، افزایش ذخایر راهبردی و کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص را در حوزه غذا و درمان و کالاهای اساسی مدنظر قرار داده است.

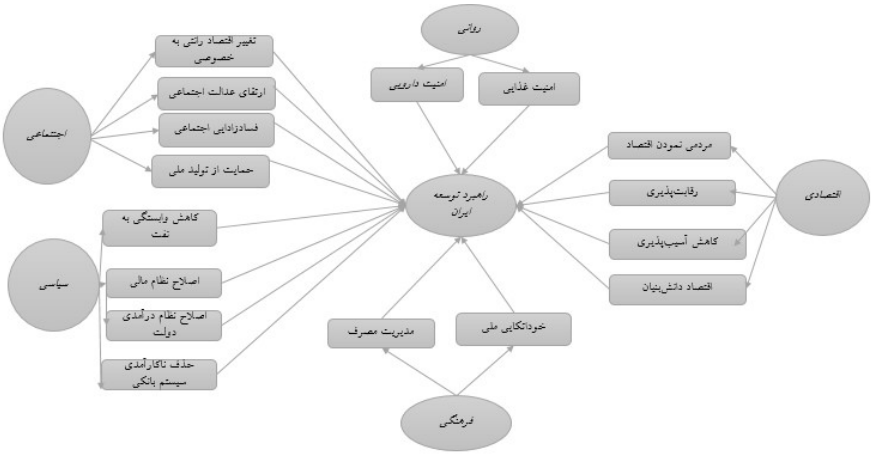
بحث و نتیجه‌گیری

توسعه فرایندی است که ارتباط با ساختار فرهنگی، شیوه‌های قومی و هنجارهای درونی یک ملت دارد. به تعبیری تمدن یک ملت، سازنده الگوی توسعه آن محسوب می‌شود. جامعه ایرانی اگر به دوره قبل و بعد از انقلاب دستهبندی شود. نوع الگوی توسعه آن نیز تفاوت می‌پذیرد. واکاوی تاریخی قبل از انقلاب حاکی از این است که از دوره پهلوی اول، الگوی توسعه آمریکایی، پهلوی دوم، مدل توسعه آلمانی حاکم بوده و در جریان بعد از انقلاب باوجود تلاشهای انقلابی و روحیه جهادی در جهت استقرار و نهادینه سازی یک الگوی توسعه متناسب با بافت فرهنگی ایران، همچنان الگوی چینی و بعد الگوی ژاپنی در جریان توسعه بیشتر نمود پیداکرده است، این مسیر از توسعه تا زمان طرح تدوین الگوی توسعه درونی (اقتصاد مقاومتی)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

از سوی رهبر انقلاب، بر جریان توسعه حاکم بوده است. طرح تدوین این الگوی توسعه (اقتصادمقاومتی مقام معظم رهبری)، به نوعی هشداری بود که اندیشمندان پسا توسعه نیز مدعی آن بودند، رهایی از الگوی توسعه وابسته، بیداری یک تمدن در برابر الگوی اقتصادی وابسته و شرطی شده که عواقب آن در زمان تحریمهای ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ بیشتر نمایان شد. این امر نوعی بازگشت به اقتصاد درونزایی و باز قرائت مجدد از فهم توسعه و راهبرد آن شد.

نتایج (۱۳۹۲)، عبدالملکی و صادقی (۱۳۹۵)، عربی (۱۳۹۲)، عسگری (۱۳۹۱)، غفاری و همکاران (۱۳۹۳)، مبینی دهکردی پژوهش اخوان و همکاران (۱۳۹۴)، انجمن اقتصاد اسلامی حوزه علمیه (۱۳۹۳)، آذری (۱۳۸۵)، پازوکی (۱۳۹۴)، پرچمی (۱۳۹۵)، جمالی و جابری (۱۳۹۴)، حسینی زاده (۱۳۹۵)، رزاقی (۱۳۹۳)، رفیعی آتانی (۱۳۹۴)، سیف (۱۳۹۵)، شهبازی (۱۳۹۵)، ملاداوودی (۱۳۹۳)، میلانی (۱۳۹۴) و هزاوئی و زیرکی حیدری (۱۳۹۳)، حاکی از این است که تنها مکانیسم موجه و متناسب با بافت سیاسی و ساختار فرهنگی ایران، توسعه الگوی اقتصاد مقاومتی است. بر این اساس، نگرش مجدد به الگوی اقتصاد مقاومتی را بیشتر در متن نظام سیاسی کشور و سیاست کلی نظام، پر رنگتر نمود. بر این اساس هدف این پژوهش واکاوی سیاست‌ها و راهبردهای توسعه ایران یا آینده پژوهش توسعه ایران بوده است که با روش تحلیلی-تاریخی، به آن پاسخدادهشده است. در ادامه در نمودار شماره ۲، الگوی راهبردی توسعه ایران بر پایه اقتصاد مقاومتی ارائه شده است.



نمودار شماره ۲: الگوی راهبردی توسعه ایران بر پایه اقتصاد مقاومتی

مطابق نتایج نمودار شماره ۲ میتوان گفت که اقتصاد مقاومتی اتکا بر رفاه، امنیت و شفافسازی مناسبات مالی و اقتصادی دارد. نظم دادن به نهادهای اقتصادی بر اساس اخلاق، قانون و نظارت اجتماعی صورت

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

می‌گیرد. سازوکار، اصول و راهبردهای اجتماعی، سیاسی و رفاهی اقتصاد مقاومتی عبارت از: «آگاهی و هوشیاری نسبت به تهدیدهای دشمن»، «اهتمام به جهاد اقتصادی»، «حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی»، «اهتمام به مردمی‌کردن اقتصاد»، «اجرای سیاستهای اصل ۴۴»، «توجّه به همت و کار مضاعف»، «توانمندسازی بخش خصوصی»، «کاهش وابستگی به درآمدهای نفت»، «توجّه به اقتصاد و صنایع دانش بنیان»، «مدیریت و اصلاح الگوی مصرف»، «هدفمندسازی صحیح و قانونی یارانه‌ها»، «مبارزه با مفاسد اقتصادی»، «تدبیر منابع ارزی و حفظ قدرت پول ملّی»، «استفادهی حداکثری از زمان و منابع و امکانات»، «پرهیز جدی از تصمیمهای خلق السّاعه و تغییر مقررات و گریز از اجرای قانون» و اهتمام عملی به وحدت و همبستگی هستند (اشیری، ۱۳۹۴). هدف از اجرای اقتصاد مقاومتی در کشور، ایجاد امنیت، ثبات اقتصادی و عدم تزلزل در برابر شوک‌های داخلی و خارجی است. اجرایی کردن اقتصاد مقاومتی به طور قطع جامعه و اقتصاد کشور را در برابر مشکلات و تهدیدهای خارجی مصون نگاه می‌دارد. همچنین تأمین شرایط و فعالسازی تمامی امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعهی کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاریهای جمعی و تأکید بر ارتقای درآمد، از راهبردهای تحقق اقتصاد مقاومتی است. مقاومتی به‌عنوان یک جهاد مقدس، منحصر به زمان تحریم و جنگ نیست؛ بلکه سازوکار پایداری برای اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که درونزا باشد و بتواند خودکفایی ایجاد کند و درعین حال، هزینه‌های کشور را کاهش دهد. لذا اقتصاد توسعه‌ی اقتصاد ملی و خروج از اقتصاد تک محصولی است. دستاورد اقتصاد مقاومتی، شکوفایی، رفع مشکلات معیشتی و افزایش رفاه عمومی مردم است. همچنین باید توجه داشت که این رویکرد اقتصادی، مردم بنیاد است؛ یعنی اقتصاد دولتی صرف نیست، اقتصادی مردمی است که باارادهی مردم، سرمایهی مردم و حضور مردم تحقّق پیدا می‌کند. دولت مسئولیت برنامهریزی، زمینه‌سازی، ظرفیتسازی، هدایت و کمک به فعالان اقتصادی را بر عهده دارد. برای نمونه، آنجایی که افرادی بخواهند سوءاستفاده کنند و دست به فساد اقتصادی بزنند، دولت راه آنها را سد می‌کند و آنجایی که کسانی احتیاج به کمک و بسترسازی دارند، به آنها کمک می‌کند؛ بنابراین آماده‌سازی و تسهیل شرایط، وظیفهی دولت است. تحقق اقتصاد مقاومتی در سایه‌ی توسعه‌ی کارآفرینی، مشارکت حداکثری آحاد جامعه، بهبود فضای کسب وکار، ارتقای آموزش و مهارت، افزایش تولیدات داخلی و مدیریت مصرف ممکن است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

فهرست منابع و مآخذ

ـ اخوان، پیمان و همکاران (۱۳۹۴)، تبیین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در کشور، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال چهاردهم، شماره ۵۳

ـ ازکیا، مصطفی و غفاری، ازکیا (۱۳۸۰)، بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۷.

ـ افشارکی، مجید و پورغفار، جواد (۱۳۹۳)، بررسی و تبیین الگوی اقتصاد مقاومتی در اقتصاد ایران، مجله اقتصادی، شماره ۶ و ۵.

ـ امین زاده، محسن (۱۳۷۶)، توسعه سیاسی، اقتصاد، فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۱۷ و ۱۱۸.

ـ انجمن اقتصاد اسلامی حوزه علمیه (۱۳۹۳)، اقتصاد مقاومتی از منظر دین، مفاهیم، مبانی، الزامات و سیاستها، مجله مبلغان؛ شماره ۱۷۹.

ـ آذری، مهدی (۱۳۸۵)، تأثیر سرمایه اجتماعی بر عملکرد اقتصادی، پایاننامه کارشناسی ارشد، دانشگاه صنعتی شریف.

ـ پازوکی، مهدی (۱۳۹۴)، دولت؛ اقتصاد؛ فساد، روزنامه صبح ایران، آرمان، ۱۳۹۴/۲/۲۱.

ـ پرچمی، داوود (۱۳۹۵)، بسترهای اجتماعی اقتصاد مقاومتی، سایت خبری فردا.

ـ جباری پور هریس، مجتبی (۱۳۹۱)، جایگاه و نقش شرکت‌های دانش بنیان در توسعه اقتصاد مقاومتی.

ـ جمالی، یعقوب و جابری، علی (۱۳۹۴)، اقتصاد مقاومتی از دیدگاه اسلام؛ مفهوم؛ اصول و سیاستها، نشریه معرفت، سال بیست و چهارم، شماره ۲.

ـ حسن‌زاده، حسن (۱۳۸۳)، شناسایی عوامل مؤثر بر اعتمادسازی بین کارکنان و مدیران و بررسی وضعیت اجتماعی موجود سازمانهای اجرایی کشور، پایاننامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران: پردیس قم.

ـ حسینی زاده، محمد (۱۳۹۵)، اقتصاد مقاومتی، پایگاه تحلیلی-خبری، دز مهراب.

ـ حسینی، یعقوب (۱۳۸۹)، الگوی مصرف در اسلام، پایاننامه کارشناسی ارشد، دانشکده معارف قرآنی اصفهان غیردولتی و غیرانتفاعی.

ـ حیدری، معصومه(۱۳۹۱)، بررسی جامعهشناختی سازماندهی علم در اصفهان دوره صفویه و نقش آن در توسعه تشیع، پایاننامه کارشناسی ارشد، وزارت علوم، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان

ـ خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۳)، بیانات در دیدار هفتمین دوره نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳/۳/۲۱.

ـ رزاقی، ابراهیم (۱۳۹۳)، از سیر تا پیاز اقتصاد مقاومتی، گفتگو.

ـ رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳)، مقدمهای بر برنامهریزی توسعه روستایی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

ـ رفیعی آتانی، عطاالله (۱۳۹۴)، مبانی؛ ظرفیت‌ها و محدودیتهای علم اقتصادی اسلامی بهمثابه علم بومی، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۵۸.

ـ زاهدی مازندرانی، محمدجواد. (۱۳۹۰). توسعه و نابرابری. تهران: نشر مازیار. سلیمی، حسین (۱۳۹۱)، آغاز و انجام نظریه وابستگی، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۱۹، شماره ۵۶، ص ۱۶۶-۲۰۴

ـ سمیعی نسب، مصطفی (۱۳۹۳)، دیپلماسی اقتصادی، راهبرد مقابله با تحریمهای اقتصادی در منظومه اقتصاد مقاومتی، فصلنامه آفاق امنیت، سال هفتم، شماره بیست و پنجم.

ـ سید نژاد، سید صادق (۱۳۹۰)، تولید کار و سرمایه ایرانی ازنظر آموزههای دینی.

ـ سیف (۱۳۹۵)، اقتصاد مقاومتی، گفتگو ویژه خبری، سایت باشگاه خبری جوان.

ـ شایان، حمید و همکاران (۱۳۹۱)، تحلیل نقش مشارکت مردم در پایداری اقتصاد روستایی، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره نوزدهم.

ـ شعبانی، احمد و نخلی، سید رضا (۱۳۹۲)، مؤلفههای اقتصاد مقاومتی در ادبیات رایج و در بیان مقام معظم رهبری، فصلنامه آفاق امنیت، سال هفتم، شماره بیست و پنجم.

ـ شهبازی (۱۳۹۲)، مردمیکردن اقتصاد به چه معناست.

ـ صمصامی، حسین و همکاران (۱۳۹۴)، آسیب شناسی شفافسازی اقتصادی و ارائه طرح پیشنهادی در اقتصاد مقاومتی، همایش اجلاس سراسری بسیج، مشهد.

ـ عبدالملکی، هادی و صادقی، ستار (۱۳۹۵)، درآمدی بر راهبردهای اقتصاد مقاومتی، تهران: پژوهشکده مطالعات بسیج.

ـ عربی، حسین (۱۳۹۲)، اقتصاد مقاومتی در بیانات مقام معظم رهبری، فصلنامه سیاست کلان، سال دوم، شماره دوم.

ـ عسگری، علی (۱۳۹۱)، ۱۸ راهکار عملیاتی در اقتصاد مقاومتی، روزنامه جام جم، شماره ۳۵۱۵، دوشنبه ۳ مهر.

ـ علیزاده اقدم، محمدباقر (۱۳۸۸)، تحلیل جامعه‌شناختی سبک غذایی شهروندان تبریزی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۴.

ـ غفاری، رامین و لطفعلی پور، امین (۱۳۹۳)، برون رفت از فشار تحریم با تکیه بر راهبردهای اقتصاد مقاومتی، دومین اجلاس بین‌المللی اقتصاد در شرایط تحریم، بابلسر، نشر الکترونیکی طرود.

ـ فولادگر، حمیدرضا (۱۳۹۳)، گزارش کمیسیون ویژه حمایت از تولید ملی و نظارت بر اجرای اصل ۴۴ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و قوانین متناظر و پیشنهادهای در مورد نحوه اجرایی شدن آنها، تهران: اراده کل تدوین قوانین.

ـ مبارک اصغر (۱۳۹۰)، بررسی اثرات فساد اقتصادی بر رشد اقتصادی در کشورهای اسلامی (با تأکید بر اقتصاد ایران) مقاله ۴، دوره ۲، شماره ۶، صفحه ۵۷-۸۶.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

ـ مبینی دهکردی (۱۳۹۵)، اقتصاد مقاومتی، گفتگو ویژه خبری، سایت باشگاه خبری جوان.
ـ مظفری نیا، مهدی، منوچهری، عباس، غفاری، مسعود، مؤمنی، فرشاد(۱۳۹۵)، اندیشه سیاسی نظریه مراحل رشد اقتصادی روستو، فصلنامه مطالعات میانرشتهای در علوم انسانی، دوره هشتم، شماره ۲، ص ۱۵۷-۱۷۶
ـ معمار نژاد، عباس (۱۳۸۴)، اقتصاد دانش بینان، فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین، شماره ۱.
ـ ملاداوودی، علیاصغر (۱۳۹۳)، تبیین نقش کارآفرینان در شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی با هدف کاهش وابستگی بین‌المللی، دومین اجلاس بین‌المللی اقتصاد در شرایط تحریم، بابلسر، نشر الکترونیکی طرود.
ـ ملکی، عباس (۱۳۹۰)، سیاستگذاری انرژی، تهران: دانشگاه صنعتی شریف.
ـ میرزاخانی، حسن (۱۳۹۱)، الزامات سرمایه‌گذاری خارجی در سال تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، مجله اقتصادی- دوماهنامه بررسی مسائل و سیاست اقتصادی، شماره ۷ و ۸.
ـ میلانی، جمیل (۱۳۹۴)، اقتصاد مقاومتی و خودباوری ملی، فرصتها و چالشهای تحققان، مجله اقتصادی، شماره ۷ و ۸.
ـ نراقی، یوسف(۱۳۷۰)، توسعه و کشورهای توسعه نیافته، تهران: سهامی انتشار نصیری، حسین(۱۳۷۹)، توسعه پایدار (چشم انداز جهان سوم)، تهران: فرهنگ و اندیشه
ـ نوروزی، فیض‌الله و بختیاری، مهناز (۱۳۸۸)، مشارکت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن، فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، شماره ۵۳
ـ هادی زنوز، بهروز (۱۳۹۲)، اقتصاد نفتی مانع توسعه صادرات، روزنامه شرق، دنیای اقتصاد، سال دوازدهم، شماره ۲۳۶۲.
ـ هزاوئی، مرتضی و زیرکی حیدری، علی (۱۳۹۳)، اقتصاد مقاومتی؛ نماد مدیریت جهادی در اقتصاد سیاسی ایران، فصلنامه علمی –پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال یازدهم، شماره ۳۷.
ـ یوسفی، محمدقلی (۱۳۹۴)، استراتژیهای رشد و توسعه اقتصادی، تهران: نشر نی.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]